

سلام علیکم. سؤال اول این است که طالبان و داعش کیستند؟

حجت الاسلام

حیاتی:

خوانش داعش

و وهابیت، از

توحید و شرک

ربوبی و الوهی

نه تنها هیچ گونه

همخونی، سبقه

و پیشینه‌ای در

میان مذاهب

اعتقادی

اهل سنت

مانند اشعری،

ماتریدی،

معتزلی و

اصحاب حدیث

ندارد، بلکه با

آنچه مذاهب

اربعه فقهی

اهل سنت در

ابواب مختلف

مانند کتاب

رَدّه و ارتداد به

عنوان اسباب

ارتداد و خروج از

اسلام نیز مطرح

کرده‌اند، در

تضاد است

حجت الاسلام حیاتی: طالبان، به یکی از جنبش‌ها و حرکت‌های دینی اهل سنت، محصور در مرزهای افغانستان [۱] گفته می‌شود که در فقه پیرو مذهب حنفی و در عقیده پیرو مذهب اعتقادی کلامی ماتریدی است، [۲] این گروه داعیه دار حکومت فراتر از مرزهای افغانستان نیست، در هر دو تجربه حکومتداری‌اش خواهان تأسیس امارت اسلامی بر مبنای فقه حنفی و عقیده ماتریدی بوده است. اما داعش جنبشی تکفیری، غیرسنی و فراملی و فرمانده‌ای است که خوانش محمد بن عبدالوهاب و دیگر شیوخ نجدی پیرو آیین وهابیت، از توحید و شرک ربوبی و الوهی را پذیرفته است؛ بر این اساس تنها تبار و پیشینه‌ای که می‌توان برای فکرو اعتقاد سازمان داعش ذکر کرد آیین تکفیری وهابیت به سرکردگی محمد بن عبدالوهاب است. این خوانش داعش و وهابیت، از توحید و شرک ربوبی و الوهی نه تنها هیچ گونه همخونی، سبقه و پیشینه‌ای در میان مذاهب اعتقادی اهل سنت مانند اشعری، ماتریدی، معتزلی و اصحاب حدیث ندارد، بلکه با آنچه مذاهب اربعه فقهی اهل سنت در ابواب مختلف مانند کتاب رَدّه و ارتداد به عنوان اسباب ارتداد و خروج از اسلام نیز مطرح کرده‌اند، در تضاد است. این تضاد موجب شده، وهابیت و به تبع آن داعش، مذاهب اعتقادی اشاعره، ماتریدی و اهل تصوف را مشرک بخوانند. [۳] محمد بن عبدالوهاب و پیروانش در اعصار مختلف به سنی‌ها می‌گفتند ما توحیدی را که شما توحید می‌دانید، توحید نمی‌دانیم. داعش هم امروز به اهل سنت می‌گوید: این چیزی که شما به عنوان توحید قبول کرده‌اید، کفر و شرک است، توحید نیست. این نکته را هم یادآور بشوم که این تضاد محصور در اهل سنت نیست، بلکه با سخن شیعه در باب توحید و شرک ربوبی و الوهی نیز در تضاد است، بنابراین مسأله مخالفت مسلمانان با وهابیت و داعش، مسأله‌ای فرامذهبی در محوری‌ترین مبحث قرآن یعنی توحید و شرک است. حرف مسلمانان این است که گفتمان وهابیت و داعش که مبتنی بر قرائت خاص و منحصر به فرد آنها از توحید و شرک ربوبی و الوهی است، ضد قرآن است، بنابراین سطح نزاع و میزان دعوای مسلمانان با داعش و وهابیت، بسیار کلان، عمیق و جدی است و نباید محل نزاع را به مسائل فرعی و دست چندانم تقلیل داد، چرا که تغییر محل نزاع و تقلیل خطای وهابیت و داعش، به مشروعیت بخشی و تطهیر این جماعت ختم می‌شود.

حجت الاسلام عبدالملکی: ضمن تأیید آنچه استاد حیاتی فرمودند این نکته را یادآور می‌شوم که ما به دور از هرگونه سوگیری به دنبال مقایسه علمی اندیشه دو جنبش طالبان و داعش هستیم. رسانه‌های غربی و غرب‌گرایان، سال‌هاست که بر حسب منافع و مصالح خویش، در باب طالبان و دیگر جریان‌ها محتوا تولید کرده‌اند و ادبیاتی را ساخته و ترویج کرده‌اند که خواه ناخواه در نگرش بسیاری از دوستان و همراهان ما اثرگذار بوده است. مادر این گفت‌وگو به دنبال فاصله گرفتن از روایت راویان غربی و نزدیک شدن به منابع اصلی هستیم. ما نمی‌خواهیم آثار و تحلیل‌های غربی‌ها را بازخوانی کنیم، می‌خواهیم از متن فکر داعش و طالبان سخن بگوییم. نکته بسیار مهم دیگر آن است که یک وقت می‌خواهیم درباره طالبان به طور مستقل سخن بگوییم، یک وقت می‌خواهیم طالبان را با داعش مقایسه کنیم اینها دو بحث جداگانه است، در نگاه استقلالی به طالبان، از خطاهای فکری و رفتاری طالبان هم سخن خواهیم گفت، اما در نگاه مقایسه‌ای به طالبان و سنجش نسبتش با داعش، از تفاوت‌ها سخن می‌گوییم. مهم است که همراهان ما بدانند تمرکز بر تفاوت‌های طالبان با داعش، به منزله تطهیر طالبان نیست.